

۱

دانس و خنده

(مجموعه لطیفه‌های طبقه‌بندی‌شده دوره شوروی)

میخائیل میلنیچینکو

ترجمه از روسی: شهرام همت‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

ویراستار: حسین شیخی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

میلنیچینکو، میخائیل.
داس و خنده. میخائیل میلنیچینکو.
ترجمه از روسی شهرام همت‌زاده.
تهران: کتاب نیستان، ۱۴۰۰.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۸۶۴-۴
مجموعه لطیف‌های طبقه‌بندی‌شده دوره.
لطایف و حکایات. روسیه شوروی.
همت‌زاده، شهرام. مترجم.

PN ۶۱۶۷

۸۲۸/۹۱۴

۸۷۸۰۴۴۹

www.ketab.ir

داس و خنده
میخائیل میلنیچینکو
ترجمه از روسی: شهرام همت‌زاده
ویراستار: حسین شیخی
دبیر مجموعه: مجتبی راشدی
طرح جلد از فرزاد ادیبی
کتاب نیستان
چاپ اول ۱۴۰۱ ۸۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۸۶۴-۴
چاپ و صحافی: سپیدار
نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳
۱۳۵۰۰۰ تومان
ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲
www.neyestanbook.com

فهرست

۷.....	پیشگفتار مترجم.....
۱۳.....	چند کلامی دربارهٔ این ترجمه.....
۱۷.....	۱. انقلاب و جنگ داخلی.....
۲۰.....	۲. کمونیسم جنگی و سیاست جدید اقتصادی.....
۶۷.....	۳. انقلاب جهانی، بنای سوسیالیسم، کمونیسم.....
۹۱.....	۴. لنین.....
۱۱۵.....	۵. تروتسکی.....
۱۲۱.....	۶. استالین.....
۱۶۲.....	۷. خروشچف.....
۱۸۴.....	۸. برژنف.....
۲۰۹.....	۹. آندروپوف.....
۲۱۳.....	۱۰. چیرنینکو.....
۲۱۷.....	۱۱. گورباچف.....
۲۲۵.....	۱۲. مقامات عالی‌رتبه و چهره‌های فرهنگی شوروی.....
۲۳۹.....	۱۳. دستگاه‌های امنیتی کشور.....
۲۵۴.....	۱۴. تسویه و اعادهٔ حیثیت.....
۲۶۷.....	۱۵. حکومت شوروی.....

۳۱۲.....	۱۶. زندگی در شوروی
۳۴۱.....	۱۷. اشتراکی‌سازی، زندگی کالخوزی و کشاورزی
۳۶۷.....	۱۸. صنعتی‌سازی، برنامه‌ریزی و تولید
۳۹۴.....	اصطلاحات سیاسی در این کتاب
۳۹۷.....	بنیان‌گذاران کمونیسم و رهبران شوروی از ابتدا تا فروپاشی
۳۹۹.....	کتاب‌نامه

پیشگفتار مترجم

این کتاب اولین کار علمی و همراه با موضوع‌بندی لطیفه‌هایی است که از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۱ در شوروی شنیده و ثبت شده‌اند و در اصل گردآوری نظام‌مندی است از لطیفه‌های ثبت‌شده در رسانه‌های گروهی، منابعی که مهاجرین با خود به خارج کشور برده بودند، اطلاعات رسمی از شرح حال ساکنان کشور شوروی که در مرکز اسناد شوروی ثبت شده است، گزارش‌ها، پرونده‌های قضایی، ثبت و ضبط لطیفه‌ها توسط علاقه‌مندان به آثار شفاهی عامیانه، دفتر یادداشت‌های مردم و همچنین سایر منابع. در مجموع این کتاب شامل ۲۶۲۹ لطیفه است که هر کدام از آن‌ها به موضوعی از تاریخ این دوران دلالت دارد که صحت ثبت تمامی آن‌ها در منابع مختلف از جمله منابعی که مهاجران از شوروی در خارج کشور از خود به جای گذاشته‌اند منابعی که در دوران پروستوریکا و پس از آن منتشر شده‌اند و همچنین سایر منابع مختلف همچون نوارهای کاست و غیره بررسی و تأیید شده است.

در چاپ اول «دانش‌نامهٔ بزرگ شوروی» در سال ۱۹۲۶ از لطیفه‌های سیاسی به عنوان یک ژانر یاد شده است و در این خصوص نوشته شده: «این ژانر که در لحظات حساس سیاسی، اهمیت و تأثیرگذاری بسیاری دارد به عنوان سلاحی ویژه در مبارزهٔ سیاسی محسوب می‌شود».

برای مدت طولانی، لطیفه ژانری غیرقانونی بود که هم تعریف کردن و هم گوش دادن به آن می‌توانست بهانه‌ای باشد برای تعقیب قضایی آن فرد از طرف دولت. فقط در یک دوران بسیار کوتاه و آن هم در دوران جنگ جهانی دوم این ژانر قانونی شد و از آن در جهت تبلیغات سیاسی حاکمان شوروی در مجلات رسمی کشور استفاده می‌شد.

نیاز نظامیان به طنز جهت افزایش روحیه منجر به آن شده بود که لطیفه‌ها و کاریکاتورهایی که در روزنامه‌ها، مجلات رسمی و یا «نشریات خط مقدمی»

منتشر می‌شدند، توسط سربازان برای یکدیگر تعریف و بازگو شوند. علاوه بر این همین امر موجب ایجاد ارتباطی دوجانبه شده بود و بسیاری از نامه‌هایی که توسط سربازان به هیئت تحریریه نشریات خط مقدمی ارسال می‌شدند حاوی لطیفه‌هایی بودند که این لطیفه‌ها به نام آن سربازان ثبت می‌شدند و گردآورندگان این کتاب نیز از آن‌ها برای تکمیل کارشان استفاده کرده‌اند.

در سال‌های پس از جنگ، لطیفه‌های شوروی از مرزهای اتحاد جماهیر شوروی پا فراتر می‌گذارد و گستره جغرافیایی وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد. تا پیش از شروع جنگ جهانی دوم، به دلیل مهاجرت روس‌ها و فرار چهره‌های ضدبلاشویک به خارج از کشور و استفاده آن‌ها از رسانه‌های گروهی، بسیاری از سوژه‌های لطیفه‌های سیاسی روسی در کشورهای مختلف شناخته شده بودند. به گونه‌ای که در این دوران، بسیاری از لطیفه‌های مشابه، هم در مورد هیتلر و هم در مورد استالین هم‌زمان در آلمان و شوروی ثبت می‌شوند. ولی پس از جنگ، این روند با تغییراتی همراه شده و لطیفه‌های روسی در کشورهای تحت نفوذ شوروی با همان صورت‌های مشابهی که در شوروی شنیده شده بودند، در این کشورها نیز ثبت و ضبط شده‌اند. هنگام تجزیه و تحلیل لطیفه‌های ثبت‌شده در کشورهای اردوگاه سوسیالیستی همچون آلمان شرقی، لهستان، رومانی و غیره مشخص می‌شود که بخشی قابل توجهی از سوژه‌های مختلف پس از جنگ در این کشورها، با سوژه‌های روسی، ویژگی‌های مشترکی دارند.

تغییرات سیاسی که پس از مرگ استالین رخ داد، باعث شد که مردم با ترس کمتری لطیفه‌ها را تعریف کنند. هرچند در همین دوران این ژانر هنوز قانونی نبود ولی محکومیت برای تعریف لطیفه طبق ماده ۱۹۰ قانون مجازات شوروی (اهانت به نظام حاکم بر شوروی) نباید با حبس بیش از هفت سال مواجه می‌شد و در منابعی که از نیمه دوم حاکمیت شوروی موجود است هیچ سندی مبنی بر تعقیب قضایی به خاطر تعریف لطیفه دیده نمی‌شود.

تمام این عوامل بر شهرت این ژانر تأثیر گذاشتند و به عقیده پژوهشگران این حوزه، سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ دوران طلایی لطیفه شوروی محسوب می‌شود، طوری که کارکنان در ابتدای روز کاری، پس از سلام و علیک، از یکدیگر می‌پرسیدند: «لطیفه جدید را شنیده‌ای؟» و سپس شروع می‌کردند به تعریف

آخرین لطیفه‌ای که شنیده بودند، دولت که امکان کنترل این کنش را نداشت ترجیح می‌داد نسبت به آن چیزی که نمی‌توانست تغییرش دهد، بی‌تفاوت باشد. در جامعه شوروی که افراد از بیان آزادانه نظرات خویش محروم بودند، لطیفه یکی از راه‌های ابراز عقیده سیاسی بود که این کار در طی سال‌های طولانی در شوروی به ژانری شفاهی در فرهنگ عامیانه تبدیل شده بود و هر پدیده‌ای در این کشور بهانه‌ای می‌شد برای ساخت سوژه‌ای جدید که در حداقل زمان ممکن تمام کشور را دربرمی‌گرفت. هر متنی این امکان را می‌یافت که دهان‌به‌دهان منتقل شود و به شرط آگاهی شنونده و گوینده از اوضاع حاکم بر کشور، وارد فرهنگ عامیانه شود.

نظام استبدادی استالینی کاری کرده بود که گفتن لطیفه سیاسی و یا گوش دادن به آن جرم محسوب می‌شد. ددمنشی این دیکتاتور به جایی رسیده بود که حتی کسانی فقط به دلیل شباهت ظاهری با استالین کارشان به حبس کشیده شده بود. خانم سویتلانا الکسویچ (برنده جایزه نوبل ادبی ۲۰۱۵) در کتاب «زمان دست‌دوم» از زبان یکی از کمونیست‌های زندانی می‌نویسد: «پنجاه نفر در یک سلول بودیم. در میان ما از جاسوسان انگلیسی و ژاپنی گرفته تا پیرمرد روستایی بی‌سواد حضور داشتند. آن پیرمرد را به خاطر آتش‌سوزی اصطبل گرفته بودند. دانشجویی هم بود که به خاطر تعریف لطیفه‌ای زندانی شده بود. روی دیوار عکس استالین را چسبانده بودند. یک بار جشنی به مناسبت صدمین سال‌روز درگذشت پوشکین برگزار شد ولی از تنها چیزی که صحبت نشد، پوشکین بود. همه چیز درباره استالین بود. در این جشن، یک پژوهشگر، مقاله‌ای درباره استالین خواند. گروه کُر سرودی را درباره استالین اجرا کرد. هنرپیشه شعری را درباره استالین دکلمه کرد. این دیگر چه وضعی است؟! آن دانشجو به خاطر تعریف یک لطیفه به ده سال تبعید به اردوگاه کار اجباری بدون حق مکاتبه محکوم شده بود. راننده‌ای هم به علت شباهتش به استالین دستگیر شده بود. خیلی هم شبیه‌اش بود. از دیگر زندانیان می‌توان به رئیس خشک‌شویی، آرایشگری که عضو حزب نبود، آهنگر و... اشاره کرد. بیشتر، مردم عادی بودند. یک متخصص ادبیات شفاهی و فولکلور هم بود. او شب‌ها برای مان داستان‌های

کودکانه تعریف می‌کرد. همه به داستان‌هایش گوش می‌دادیم. مادرش که یک بلشویک پیر بود، علیه او گزارش داده بود»^۱.

آلکساندر پوشکین نویسنده و شاعر معروف روس (۱۷۹۹-۱۸۳۷) در اثر معروفش، «دختر کاپیتان» آورده است: «خداوند ما را از طغیان بی‌احساس و بی‌رحم روس‌ها محفوظ دارد. در میان ما، آن‌هایی که برای ایجاد اغتشاش بی‌سرانجام توطئه می‌کنند، یا جوان هستند و مردم ما را نمی‌شناسند یا انسان‌های سنگدلی هستند که به اندازه دانه ارزن برای زندگی خود و دیگران ارزش قائل نیستند».

پوشکین کشته شد و پس از گذشت هشتاد سال از مرگ وی، آن چه او از آن هراس داشت به وقوع پیوست. انقلاب روسیه به ثمر نشست و پیش‌بینی او محقق شد. کشور روسیه که در مسیر ترقی و پیشرفت قرار داشت، در چنگال یکی از مخوف‌ترین و خبیث‌ترین نظام‌های تاریخ گرفتار شد. افسارگسیختگانی که کینه‌ای دیرینه از انسان‌های شریف داشتند، یک‌شبه بر مصدر کار قرار گرفتند و قتل‌وغارت را پیشه خود کردند. سال‌ها پس از انقلاب اکتبر، همین افراد به دو گروه تقسیم شدند: کمونیست‌های محافظه‌کار و دموکرات‌های اصلاح‌طلب. ولی جنگ بر سر غنائم به‌دست‌آمده از مردم روسیه همچنان ادامه یافت. روشنفکران خودفروخته و عامل سیه‌روزی مردم، از جهنمی‌ترین نظام حاکم بر کشور دفاع کردند. وقتی بوران انقلاب ۱۹۱۷ روسیه را دربرگرفت، قتل و غارت و جنایت انقلابیون هم افزایش یافت. چندی بعد لنین به علت بیماری از صحنه سیاسی کشور خارج شد و در سال ۱۹۲۴ درگذشت. کشمکش‌ها برای جانشینی او، جز یارگیری، توطئه و دسیسه افراد بانفوذ علیه یکدیگر نتیجه‌ای در پی نداشت. تروتسکی، زیناویف، کامیئف، بوخارین، استالین و خیلی‌های دیگر درگیر نبرد قدرت شدند، ولی در نهایت، استالین به واسطه دوراندیشی بیشتر و مخفی کردن وصیت‌نامه لنین تا لحظه مرگ (در آن وصیت‌نامه لنین به استالین تاخته بود و خواستار فاصله گرفتن او از قدرت، به دلیل خشونت بیش‌ازحدش شده بود) پیروز این چالش شد. زندانی شدن یک‌سوم ملتی، در تاریخ امری بی‌بدیل است. شمار زیادی به دلیل کیش شخصیت‌پرستی استالین، به بهانه‌های مختلف واهی راهی سبیری، تبعید و کار اجباری شدند.

پس از استالین، خروشچف به قدرت رسید که هم‌زمان بر مفاهیمی چون «استالین‌زدایی» و «اصلاح‌طلبی» تأکید داشت، اما دوران قدرت او هم دیری نپایید و در سال ۱۹۶۴ در پی توطئه سران حزب از قدرت برکنار و تا آخر عمر در حبس خانگی ماند و وقتی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۱ در سن ۷۷ سالگی درگذشت، جنازه‌اش با مراقبت و کنترل شدید دفن شد و حتی خانواده‌اش اجازه شرکت در مراسم نداشتند.

پس از خروشچف، برژنف با همکاری تنی چند از اعضای حزب کمونیست شوروی، از جمله «سوسولوف» نظریه‌پرداز حزب، در سال ۱۹۶۴ حکومت ۱۸ ساله خود را آغاز کرد و رکورددار طولانی‌ترین دوران زمامداری در شوروی بعد از استالین شد. برخلاف دوره خروشچف که علاوه بر مقام دبیر کل حزب کمونیست، مقام نخست‌وزیری شوروی را هم از سال ۱۹۵۸ داشت (همانند استالین) این بار اعضای حزب تصمیم گرفتند نوعی تقسیم قدرت در حزب به وجود بیاید. در نتیجه دبیر کل حزب به برژنف و نخست‌وزیری شوروی به «کاسیگین» رسید.

در دوره زمامداری برژنف آزادی‌های محدودی که در دوره خروشچف به مردم شوروی داده شد، از میان رفت و پروژه استالین‌زدایی خروشچف کنار نهاده شد، اما رکورد دیکتاتوری و جنایت در شوروی همچنان در لیستان استالین بود. سال‌های پایانی رهبری برژنف در رسانه‌های گروهی دوران «رکود» نام گرفت. بحران همگانی، گرایش‌های منفی در اقتصاد، توسعه بیش‌ازحد دستگاه دیوانسالاری از ویژگی‌های این دوره است. در دوره زمامداری او شوروی به افغانستان حمله کرد که پیامدهای دشواری در پی داشت. برژنف در سال ۱۹۸۲ پس از چند ماه بیماری درگذشت.

پس از برژنف، آندروپوف مقام دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برای دو سال عهده‌دار شد. او پیش از این، به مدت ۱۵ سال تصدی ریاست کا.گ.ب. دستگاه امنیتی مخوف اتحاد جماهیر شوروی را در دست داشت. او همچنین خروشچف دبیر کل وقت حزب کمونیست شوروی را به‌رغم تمایلش متقاعد کرد تا ارتش سرخ را برای قتل‌عام مردم مجارستان در سال ۱۹۵۶ به آن کشور بفرستد و به همین جهت به «قصاب بوداپست» مشهور شد. رهبران قیام مجارستان دستگیر و اعدام شدند. آندروپوف از طرفداران

سرسخت نظام تک‌حزبی و بااقتدار مطلق حزب کمونیست بود و به همین جهت در درگیری‌های شوروی در ۱۹۶۸ در پراگ، در ۱۹۷۹ در کابل و در ۱۹۸۱ در ورشو معتقد بود، ارتش سرخ باید بااقتدار مداخله کند و از سیاست مشت‌آهین استفاده شود. او که به بیماری قند و نارسایی کلیه مبتلا بود در فوریه ۱۹۸۴ در سن ۶۹ سالگی درگذشت.

دبیر کل بعدی حزب کمونیست چیرنینکو بود. او طی دوران زمام‌داری برژنف، در کنفرانس‌های بین‌المللی نزدیک‌ترین همراه او بود و به همین سبب محافل غرب او را «سایه برژنف» می‌نامیدند. چیرنینکو پس از ۱۳ ماه حکومت، در ۱۰ مارس ۱۹۸۵ و در سن ۷۳ سالگی درگذشت.

پس از چیرنینکو، گورباچف به قدرت رسید که از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات گورباچف با دکترین پروستوریکا (اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (فضای باز سیاسی) به جنگ سرد خاتمه داد و دو نهایت، سبب فروپاشی شوروی شد.

تحقیقات در این حوزه حاکی از آن است که انقلاب اکتبر در روسیه انقلابی ناکام و غیرضروری بود و نتیجه‌ای جز نابودی امپراتوری روسیه و آرمان‌های آن دربرنداشت. روشنفکران خودفروخته‌ای که ملت را به خیابان‌ها کشاندند و ملتی که از روی ناآگاهی و عقده‌های روانی انقلاب کردند، به ناگاه خود قربانی هیولایی شدند که آفریده بودند. رژیم انقلابی جدید، رژیمی ضدبشری، آدمکش و به معنای واقعی کلام، انسان‌ستیز بود. اگر استالین به روستاها برق برد، باسوادی را گسترش داد و یکی از مجهزترین متروها را در مسکو ایجاد کرد، هیچ‌کدام از این‌ها پوششی برای کشتار میلیون‌ها انسان بی‌گناه در سبیری و ترور مخالفان او در خارج از کشور نبود؛ شگفتا که وقتی استالین درگذشت، میلیون‌ها نفر از مردم ناآگاه، بی‌فرهنگ و بی‌اخلاق که قربانی اقدامات او بودند، در تشییع جنازه‌اش شرکت کردند و شمار زیادی در این ازدحام کشته شدند. امر شگفت دیگر آن بود که وقتی خروشچف، ظرف یک شب ادعای آزادیخواهی کرد و به عنوان اصلاح‌طلب به روی کار آمد و ژست عدالت‌خواهان را گرفت، بخش قابل توجهی از جامعه فاسد روسیه و روشنفکران بی‌وطن آن کشور، جانب وی و اصلاح‌طلبان آدمکش دیگری را گرفتند که علاوه بر سوابق پلیدشان، در همان هنگام نیز، صدها برابر از محافظه‌کاران کمونیست، جانی‌تر، تبهکارتر و بی‌وطن‌تر بودند.